

حاج میرزا عبدالعالی - بنده پس می گیرم
 (پیشنهاد آقای میرزائی به مضمون ذیل خوانده شد)
 بنده پیشنهاد می کنم ماده واحده تجزیه شود
 رئیس - بفرمائید
 میرزائی - بنده مقصودم این بود که قسمت قسمت رأی گرفته شود برای اینکه در قسمت دومش عرایضی دارم و میخواهم يك چیزی بفهمم
 وزیر فواید عامه - مذاکره تجزیه میشود یا رأی؟
 رئیس - رأی گرفته می شود به ماده واحده
 سه قسمت می شود :
 اول راه آهن جلفا - تبریز و دریاچه ارومیه صد و هفتاد هزار تومان
 آقایانی که تصویب می کنند پیام فرمایند
 (اغلب قیام نمودند)
 رئیس - تصویب شد
 قسمت دوم تعمیر و نگاهداری طرق و شوارع سیصد و شصت و شش هزار تومان
 آقایانی که تصویب می کنند قیام فرمایند
 (اغلب قیام نمودند)
 رئیس - تصویب شد
 قسمت سوم برای جلوگیری از گاو - میری در تمام مملکت
 وزیر فواید عامه - از آفات حیوانی باید نوشته شود زیرا کوسفند هم است
 رئیس - برای جلوگیری از آفات حیوانی در تمام مملکت سی هزار تومان
 آقایان موافقین قیام فرمایند
 (اکثر برخاستند)
 رئیس - تصویب شد
 رأی گرفته می شود به مجموع سه قسمت بارز
 آقایانی که تصویب می کنند ورقه سفید والا کبود خواهند داد
 (اختلاس استخراج آراء بعمل آمده نتیجه باین طریق حاصل شد)
 ورقه سفید علامت قبول ۷۸
 رئیس - عده حضار هشتاد و نه باهفتاد و هشت رأی تصویب شد
 اسامی رأی دهندگان :
 آقای میرزا رضا خان حکمت - رهنما - محمد هاشم میرزا اجاق - دکتر احتشام طباطبائی افشار - آقا شیخ هادی - آقا میرزا شهاب الدین - ارباب کیخسرو - دامغانی - یاسائی صدق السلطنه - احیاء السلطنه - سهراب خان - نظام التولیه - شوشتری - صدر - الاسلام - یمن الملک - عدل الملک - دولت آبادی - حاج مشیر اعظم - علائی - سلطان ابراهیم خان - آقا شیخ جلال الدین - حاج شیخ عبدالرحمن - ایزدی - صدرائی -

سهام السلطان - شریعت زاده - سهراب زاده - وحیدالدوله - کی استوان - دیوان - بیگی - مفتی - آقا میرزا آقا خان - آقا میرزا عبدالله خان معتمد - قوام الدوله - عماد السلطنه - سردار منتصر - فتح الله میرزا - معظم السلطان - حاج میرزا اسدالله خان - حاج میرزا محمد رضا - شیروانی - اعتبار الدوله - نجات - ضیاء الملک - نصرت الدوله - امین الشریفه - آقا سید یعقوب - امیر احتشام - سردار نصرت - آقا میرزا سید احمد بهیانی - ملک الشعراء - ضیاء الواعظین - شیخ الاسلام ملایری - سبزواری معتمد - حاج سید المحققین - طهرانی - دکتر امیرخان اعلم - قائم مقام - مصدق السلطنه - غلامحسین میرزا - حاج میرزا علی رضا - محمد ولی میرزا - اسکندری - عظیمی - هائم - تجدد - مدیر الدوله - معاضد السلطنه
 رئیس - آقای کازرونی (اجازه)
 میرزا علی کازرونی - عرضی ندارم
 رئیس - پیشنهادی از طرف آقای افشار رسیده است قرائت می شود
 (شرح آنی خوانده شد)
 نظر باینکه آقای رئیس کل مالیه صبح روز شنبه بیست و ششم اردیبهشت از طهران بطرف امریکا عزیمت خواهد کرد و مقتضی است قبل از حرکت مشار الیه تکلیف لایحه مربوط با استخدام دوازده نفر مستشار مالی معلوم شود
 لذا محترماً پیشنهاد می کنم امروز بعد از ظهر جلسه فوق العاده تشکیل و تکلیف این لایحه معلوم و نتیجه بمشار الیه ابلاغ شود
 رئیس - آقای افشار (اجازه)
 آقا میرزا رضا خان افشار - چون از لایحه استخدام دوازده نفر امریکائی برای وزارت مالیه اینقدری باقی نمانده و مذاکره در آن هم - - - - - چندان وقت زیادی لازم ندارد و نظر باینکه دکتر میسپور روز شنبه حرکت بمسرت امریکامینماید و تفییری که از طرف مجلس در این مواد میشود باید بمشار الیه اطلاع داده شود برای اینکه بواسطه مغایرات تلگرافی دچار خسارت مالی نشویم لهذا بنده پیشنهاد کردم بعد از ظهر امروز هم جلسه تشکیل شود و آقایان هم موافقت بفرمایند و تشریف بفرمایند و تشریف بیاورند تکلیف این لایحه معلوم شود و نتیجه را بمشار الیه ابلاغ نمایند
 رئیس آقای شوشتری (اجازه)
 آقای سید محمد علی شوشتری - عرضی ندارم رأی بگیری
 رئیس - آقای حاج میرزا عبدالوهاب (اجازه)
 حاج میرزا عبدالوهاب - رأی گرفته

شود بنده هم عرض ندارم
 رئیس - عده کافی نیست برای رأی آقای آقا شیخ جلال هم پیش نهاد کرده اند جلسه ختم شود
 جمعی از نمایندگان صحیح است
 رئیس - جلسه آتی به روز شنبه دستور هم بقیه دستور امروز
 (مجلس يك ربع ساعت بعد از ظهر ختم شد)
 رئیس مجلس شورای ملی منشی منشی حسین پیرنیا - م - شهابی - دکتر احتشام طباطبائی
جلسه ۱۶۶
صورت مجلس یوم شنبه بیست و ششم اردیبهشت هزار و سیصد و چهار مطابق بیست و دوم شوال هزار و سیصد و چهل و سه
 مجلس ۳ ساعت قبل از ظهر بریاست آقای آقا میرزا حسینخان پیرنیا تشکیل گردید
 (صورت مجلس ۵ شنبه بیست و چهارم اردیبهشت را آقای آقا میرزا شهاب قرائت نمودند)
 رئیس - آقای آقا شیخ جلال (اجازه)
 آقای شیخ جلال - قبل از دستور عرض دارم
 رئیس - آقای روحی (اجازه)
 روحی - بنده هم قبل از دستور عرض دارم
 رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)
 آقا سید یعقوب - آن کلمه سردار اجل را خواستم عرض کنم باسم تبدیل شود چون قانون از مجلس گذشته است
 رئیس - آقای کاشانی راجع بصورت مجلس است؟
 آقا میرزا سید حسن کاشانی - خیر بنده قبل از دستور عرض دارم
 رئیس - نسبت بصورت مجلس معارضی هست یا نه؟
 (گفته شد - خیر)
 رئیس - آقای آقا شیخ جلال (اجازه)
 آقای شیخ جلال - من چون سیاست استعار را منافی با حکومت ملی می دانم در این موقع مقتضی می دانم چند دقیقه وقت مجلس را مشغول نموده و بعضی مطالب را بعرض آقایان برسانم
 در جلسه اسبق که نماینده محترم مازندران در اطراف تعذبات ترا که بیاناتی فرمودند انتظار معرفت که نماینده حکومت يك توضیحاتی بدهد که لااقل این انتشاراتی که در شهر هست از بین برود مع التأسف آقای منصور الملک معاون وزارت داخله مثل يك نفر دیپلمات در پشت کرسی خطابه

آمدند و يك بیاناتی فرمودند که مزید نگرانی شد
 قبل از جلسه گذشته بنده اعتقاد داشتم که این انتشارات در ردیف همان انتشارات معموله در شهر است
 نجات - همه دروغ است
 آقای شیخ جلال - ولی آقای منصور الملک اگر چه چیزی را تصدیق نکردند ولی ضمناً مطالب را هم بطور روشن فرمودند که ما کاملاً مستحضر شویم این انتشارات اساس ندارد
 همه نمایندگان
 آقای شیخ جلال - خوب اگر مجلس از اجازه نمی دهد عرض نمی کنم
 (در این موقع آقای رئیس چند کلمه با ایشان آهسته مذاکره نمودند)
 آقای شیخ جلال - مامی شنویم تقریباً يك عده چهار پنج هزار نفری از ترا که با بیرق سرخ در حدود تجاوز کرده و رنجبران صلح طلب ایران را مورد تاخت و تاز خودشان قرار داده اند
 بعضی از نمایندگان - با همه این طور نیست
 آقای شیخ جلال - بیاناتتان را بعد بفرمائید ما می شنویم که بجنورد در حال معاصره است
 نجات - آقا دروغهای مردم را که نمی شود در مجلس گفت
 همه بین نمایندگان
 آقای شیخ جلال - اگر اجازه نمی دهید عرض نمی کنم
 بنده عقاید شخصی خودم را عرض نمی کنم از طرف آقایان عرض نمی کنم
 مامی شنویم که در حدود لطف آباد تزیینات باهالی و رعیت بانده از رسیده است که مردم فاقد آند که بخورند بهمین جهت مجبور شده اند مهاجرت کنند بلکه عده از تشنگی هلاک شده اند
 البته يك دلیل قاطعی هنوز قافه نشده است که این انتشارات تاچه اندازه صحت دارد و بهینطور می شنویم که از طرف روسها در تشکیلات بعرض کردن مراجع دولت ما مداخله می شود
 همه نمایندگان
 رئیس - بنده از آقای آقا شیخ جلال پرسیدم نطقی را که میخواهند بکنند از روی تأمل و فکر است یا خیر - فرمودند بلی
 مجلس شورای ملی بایشان اجازه می دهد که در این زمینه صحبت کنند یا خیر؟

جمعی از نمایندگان غیر-تدین از وزیر سؤال کنند بیاجواب بدهد.

آقای جلال-رأی بگیرند

رئیس- رأی می گیرم ببینم ایشان میتوانند در این زمینه صحبت کنند یا خیر؟

مدرس- حالا حرف نزنند زنند ولی سابقه میشود.

رئیس- آقایانی که تصویب میکنند ایشان میتوانند در این زمینه صحبت کنند قیام بفرمایند.

(چند نفری برخاستند)

رئیس- تصویب شد

بعضی از نمایندگان - وارد دستور شویم.

رئیس- وارد دستور می شویم. لایحه مستخدمین آمریکائی از ماده نهم مطرح است.

ماده نهم شرح ذیل قرائت شد

ماده نهم- هر یک از مستخدمین آمریکائی که تحت مقررات این قانون استخدام می شود در هر یکسال حق یکماه مرخصی با استفاده از تمام حقوق خواهد داشت این حق مرخصی را اگر از آن استفاده نشده باشد میتوان مجموعاً بعد سالها که در کتترات مذکور از ذخیره نمود لیکن جمع مدت مرخصی نباید از ۴ ماه تجاوز نماید.

رئیس- آقای آفاسید یعقوب (اجازه)

آفاسید یعقوب بنده يك مسئله را در تحت فضاوت و حکمت آقایان نمایندگان و مجلس شورای ملی قرار میدهم که این مسئله را از روی نظر علمی و عدالت حل کنند. فلسفه اینکه کارفرمایان و کارکنان مرخصی را از برای کارکنان قرارداد داده اند این است که آن شخص کارکن که مستخدم است در کار کسالت پیدا میکند و در سال برای او مرخصی قرار می دهند که در اوقات فراغت باشد. ششماه کار میکند و بعد یکماه مرخص میشود و تفریح میکند و قوای خودش را از برای کار کردن حاضر میکند اصل فلسفه اینکه آمده اند مرخصی را برای مستخدم قرار داده اند که در یکسال یکماه برای او مرخصی باشد اینست که حالات روحی و نساط دماغ او باقی باشد که کار میکند. نظر باین قسمت بنده با اینقسمت اول موافقم که یکماه مرخصی داشته باشد اما اینرا نباید جمع بکنند و سال اول از مرخصی خودش استفاده نکنند و سال دوم و سوم هم استفاده نکنند آنوقت بیاید در سال چهارم چهار ماه استفاده کند و از مدت کم کنان یک ضرری برای ماست برای اینکه سرور در این سالها که این مرخصی برای او معین شده باید خودش را برای کار حاضر کند و قطعاً دو سال کار کند کسلی می شود خستگی دماغ پیدا می کند و در سال سوم آن نساطی که برای کار کردن باید داشته باشد ندارد

بنده موافقم که سالی یکماه مرخصی داشته باشد اما اینرا بهر دو ذخیره کند و صرفه بکنند بنده موافق نیستم و اگر گفت من اسامی از مرخصی خود استفاده نکرده ام باید از بین بروم که بتواند چهار سال استفاده نکند و بعد چهار ماه به آخر دوره مانده بگوید چهار ماه مرخصی دارم و مدت تمام شد بولم رابدهید باین ترتیب بنده مخالفم. باید در هر سال مجبوراً مرخصی را قبول کند زیرا این مرخصی که وضع شده است برای اینست که با حال نشاط و عدم کسالت مشغول کار باشند این است که بنده پیشنهاد کرده ام قسمت ثانی حذف شود.

وزیر مالیه- این ترتیب همیشه مقرر بوده است برای مستخدمین داخلی و مخصوصاً از برای مستخدمین خارجی که حق داشته اند مرخصی خود را که راجع بدو سال میشود جمع کنند و یک موقع از او استفاده کنند و اگر وقت بفرمایند تصدیق خواهد کرد هم بنظر هم باید باشد. ضرری هم ندارد ملاحظه بفرمایید در سال اول ممکن است شخص هیچ خسته نشده باشد یکسال کار کردن مستلزم این نیست که انسان را خسته بکنند.

البته ممکن است بواسطه يك امور و اتفاقاتی بعد از یکسال کار کردن خسته شده باشد و البته آن آدم خستگی را احساس خواهد کرد بالاخره تقاضای مرخصی خواهد کرد اما از آن طرف هم ملاحظه بفرمایید که یکماه مرخصی آنقدر اثری ندارد و ممکن است بنده فکر کنم این یکماه مرخصی اسامی را استفاده نکنم بگذارم دو ماه بشود سال آینده بتوانم اقلایک مسافرتی به بیلاق بکنم که قدری بیشتر رفیع خستگی بکنم که قدری بیشتر رفیع خستگی بکنم و همان فلسفه را که میفرمایند در اینست که باید حاصل شود و برای کار حاضر شود نسبت به مستخدمین خارجی بطریق اولی باید باشد زیرا غالباً کسی که سه سال چهار سال در مملکت خارجی توقف کند علاوه بر خستگی کسالتی از غربت پیدا میکند که محتاج میشود يك مسافرتی بوطن خودش برای سرگشی بکسان خود بکنند و ضمناً خستگیش را رفیع شود در کتتراتهای سابقه هم همینطور بوده عمال هم بر همین جاری شده است و ظن غالب اینست که اگر این کار را بکنیم شاید کسی اصلاً حاضر نشود برای استخدام و اگر کسی هم حاضر نشود شاید کسی باشد که پاره استفاده هائی که ما از او میخواهیم نشود.

بعلاوه اینجا آقای مخبر آقایان اطلاع خواهند داد که يك چیز دیگری ما تقاضا کرده بودیم و در لایحه دولت هست و کمیسیون بودجه هم بتصدیق کرد و آن این است که اگر دولت آنوقت که او میخواهد مرخصی بگیرد محتاج باشد او را در خدمت نگاهدارد (همانطور که فرمودید) میخواهیم

از او استفاده کنیم) بار ضایات او دولت حق داشته باشد او را نگاهدارد و منتهی در ازاء آن مدتی که مرخصی دارد حقوق باو داده شود و تصور می کنم هیچ ایرادی وارد نباشد.

رئیس- آقای آقا سید یعقوب پیشنهاد کرده اند ماده تجزیه شود.

بدو رأی میگیریم بماده نهم از اول ماده تا (خواهد داشت)

مدرس- اینکه فرمودید بخواهند حاج میرزا عبدالعلی - بنده پیشنهادی داشتم.

رئیس- بلی این پیشنهاد مقدم است.

(شرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد آقای طباطبائی دیبا - پیشنهاد می نمایم در ماده نهم در سطر چهارم بعد از جمله (در کتترات مذکور است علاوه شود فقط در مدت کتترات ذخیره نمود و مرخصی گرفت الی آخر.

رئیس- این راجع بقسمت دوم است پس باید رأی گرفت بقسمت اول ماده نهم.

(شرح آتی قرائت شد)

هر یک از مستخدمین آمریکائی که تحت مقررات این قانون استخدام می شود در هر یکسال حق یکماه مرخصی با استفاده از تمام حقوق خواهد داشت.

رئیس- رأی میگیریم باین قسمت. آقایان موافقین قیام بفرمایند.

(ماده کنیزی قیام نمودند)

رئیس- تصویب شد. در قسمت دوم پیشنهاد آقای طباطبائی دیبا قرائت میشود.

(شرح سابق قرائت شد)

طباطبائی دیبا - ظاهر این ماده این است که اگر این مستخدمین در آخر کتترات از مرخصی استفاده نکردند آن وقت چهار ماه باید بانها حقوق بدهند دوازده نفرند و هشت ماه باید به آنها حقوق علاوه داده شود.

بنده مخالفم که دو حقوق بدهند چون مرخصی نکند تا کتتراتش بآخر برسد آن وقت حق مطالبه خواهد داشت این است که بنده این پیشنهاد را برای رفیع این معظور کردم

والا دو حقوق باید داده شود یعنی چهل و هشت ماه باید حقوق علاوه داده شود.

مخبر- این طور نیست که فرمودید اینجا دو مطالب است.

یکی اینکه سالی یکماه حق مرخصی دارند اما اگر سال بسال استفاده نکردند کمال اینکه این مرخصی را هم این مستخدمین آمریکائی نمیتوانند از او استفاده کنند

استفاده نکرده باشد اینطور معنی شود که استفاده از مرخصی نکرده باشد استفاده از حقوق مدت مرخصی

لهذا بنده توضیح دادم بعد از عبارت در کتترات مذکور است نوشته شود در صورتیکه استفاده از حقوق نکرده باشد یعنی حق آن یکماه را نکرده باشد عبارت آخری اگر در سال چهارم چهار ماه حقوق نگرفته باشد

در اینصورت سال چهارم می تواند چهار ماه مرخصی بگیرد اما اگر سال اول را تمام حقوق گرفته و سال دوم را همین طور آنوقت در سال چهارم آیا میتواند با حقوق استفاده کند؟ خیر در صورتیکه از حقوق استفاده نکرده باشند می توانند چهار ماه مرخصی بگیرند.

مخبر- پیشنهاد آقا نقض عرض میکنند اصلاً يك مستخدمی یازده ماه کار می کند دوازده ماه حقوق میگیرد پس فلسفه مرخصی چیست؟

فرمایش جناب عالی معکوس است. رئیس- آقایانیکه پیشنهاد آقای طهرانی را قابل توجه می دانند قیام بفرمایند

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس- قابل توجه نشد رأی گرفته می شود بقسمت دوم ماده

(بدین هیچ قرائت شد)

این حق مرخصی را اگر از آن استفاده نشده باشد می توان مجموعاً بعد از سالی که در کتترات مذکور است ذخیره نمود ولیکن جمع مدت مرخصی نباید از چهار ماه تجاوز نماید

رئیس- پیشنهاد دیگری از آقای مسارات رسیده است

(شرح آتی قرائت شد)

بنده پیشنهاد می کنم که مدت مرخصی از سه ماه تجاوز ننماید

رئیس- آقای مسارات (اجازه)

کازرونی- اصولاً انسان هر روز یا ماه یا سالی که حقوق میگیرد باید در ازاء آن حقوق خدمت کند و در ماه حقوق میگیرد باید دوازده ماه خدمت کند یکماه که استثناء قائل شده اند مرخصی بمستخدم داده شود در تحت چه عنوان و از روی چه فلسفه است؟

گفتند که کلمه مستخدم را تشریح کردیم و دیدیم در عرض یکسال که کار می کند کلمه اش يك قدری تکان می خورد از این جهت یکماه مرخصی باید باو بدهند و چون یکماه مرخصی در عرض یکسال برای یک نفر مستخدم يك انقلاب و تغییراتی در اوضاع کارهای مربوط باو می دهد از این جهت اهمیت داده نشده اما حالا این مستخدم دید که مغزش تکان نخورده و محتاج با استراحت نیست و همین دلیل استفاده نکرد خوب تمام شد و رفت.

در این صورت باید برگردیم باصل اول که در ازاء حقوق خدمت کند. این جا قائل شده اند که تا چهار سال می تواند زوی هم بگیرد

چهار ماه استفاده کند تصدیق بکنند

استفاده نکرده باشد اینطور معنی شود که استفاده از مرخصی نکرده باشد استفاده از حقوق مدت مرخصی

لهذا بنده توضیح دادم بعد از عبارت در کتترات مذکور است نوشته شود در صورتیکه استفاده از حقوق نکرده باشد یعنی حق آن یکماه را نکرده باشد عبارت آخری اگر در سال چهارم چهار ماه حقوق نگرفته باشد

در اینصورت سال چهارم می تواند چهار ماه مرخصی بگیرد اما اگر سال اول را تمام حقوق گرفته و سال دوم را همین طور آنوقت در سال چهارم آیا میتواند با حقوق استفاده کند؟ خیر در صورتیکه از حقوق استفاده نکرده باشند می توانند چهار ماه مرخصی بگیرند.

مخبر- پیشنهاد آقا نقض عرض میکنند اصلاً يك مستخدمی یازده ماه کار می کند دوازده ماه حقوق میگیرد پس فلسفه مرخصی چیست؟

فرمایش جناب عالی معکوس است. رئیس- آقایانیکه پیشنهاد آقای طهرانی را قابل توجه می دانند قیام بفرمایند

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس- قابل توجه نشد رأی گرفته می شود بقسمت دوم ماده

(بدین هیچ قرائت شد)

این حق مرخصی را اگر از آن استفاده نشده باشد می توان مجموعاً بعد از سالی که در کتترات مذکور است ذخیره نمود ولیکن جمع مدت مرخصی نباید از چهار ماه تجاوز نماید

رئیس- پیشنهاد دیگری از آقای مسارات رسیده است

(شرح آتی قرائت شد)

بنده پیشنهاد می کنم که مدت مرخصی از سه ماه تجاوز ننماید

رئیس- آقای مسارات (اجازه)

کازرونی- اصولاً انسان هر روز یا ماه یا سالی که حقوق میگیرد باید در ازاء آن حقوق خدمت کند و در ماه حقوق میگیرد باید دوازده ماه خدمت کند یکماه که استثناء قائل شده اند مرخصی بمستخدم داده شود در تحت چه عنوان و از روی چه فلسفه است؟

گفتند که کلمه مستخدم را تشریح کردیم و دیدیم در عرض یکسال که کار می کند کلمه اش يك قدری تکان می خورد از این جهت یکماه مرخصی باید باو بدهند و چون یکماه مرخصی در عرض یکسال برای یک نفر مستخدم يك انقلاب و تغییراتی در اوضاع کارهای مربوط باو می دهد از این جهت اهمیت داده نشده اما حالا این مستخدم دید که مغزش تکان نخورده و محتاج با استراحت نیست و همین دلیل استفاده نکرد خوب تمام شد و رفت.

در این صورت باید برگردیم باصل اول که در ازاء حقوق خدمت کند. این جا قائل شده اند که تا چهار سال می تواند زوی هم بگیرد

چهار ماه استفاده کند تصدیق بکنند

بیش از چهار ماه حق نداشته باشد ولی اگر سه سال مانده بیش از سه ماه حق نخواهد داشت این برای این است که در عرض پنج ماه حق دارد بیش از چهار ماه حق نداشته باشد و این هم باین اشکالاتی قبول شده

رئیس- آقایانی که پیشنهاد آقای مسارات را قابل توجه می دانند قیام بفرمایند

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس- قابل توجه نشد پیشنهاد آقای امامی.

(باین ترتیب خوانده شد)

بنده پیشنهاد می کنم که قسمت اخیر اصلاح شود این حق مرخصی را اگر از آن استفاده نشده باشد می توان مجموعاً بعد از سالها که خدمت کرده است ذخیره نمود.

رئیس- بفرمایند

آقا میرزا جوادخان امامی - چون کتترات این آقایان پنجساله است هر چند در سه سال طرفین حق فسخ دارند ولی اصلاح کتترات پنج ساله نوشته می شود در اینصورت اینطور که در اینجا نوشته شده است که این حق مرخصی را اگر از آن استفاده نشده باشد می توان بعد از سالها که در کتترات مذکور است ذخیره نموده.

ولی جمع مرخصی بیش از چهار ماه نخواهد بود در این جا ممکن است اینطور استنباط شود که اگر چنانچه سه سال هم اینها خدمت کرده باشند باز می توانند چهار ماه استفاده کنند

برای این که این سه ماه تفاهم هم نشود و ماده کش دار نباشد بنده این پیشنهاد را کردم

مخبر- این ماده این قسمتش واضح است نوشته این حق مرخصی را اگر از آن استفاده نشده باشد می توان مجموعاً بعد از سالها که در کتترات مذکور است ذخیره نمود و اگر چهار سال خدمت کرد چهار ماه و اگر چهار سال خدمت کرد چهار ماه و اگر پنج سال خدمت کرد پنج ماه و اگر پنج سال خدمت کرد پنج ماه نمی تواند بیک مرتبه تقاضای مرخصی کند.

این خیلی واضح است. رئیس- آقایانی که پیشنهاد آقای امامی را قابل توجه می دانند قیام بفرمایند

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس- قابل توجه نشد پیشنهاد آقای دیبا.

(شرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد می نمایم در سطر سوم ماده نهم نوشته شود اگر تقاضای دولت

از آن استفاده نشده باشد طباطبائی دیبا - بنده چنانچه در پیشنهاد اولی خود عرض کردم ممکن است مستخدم از این ماده استفاده کند و تا آخر مدت کتترات خود مرخصی نگردد آنوقت چهار ماه هم حقوق علاوه بگیرد اینست که بنده پیشنهاد کردم تقاضای دولت در اینجا علاوه شود یعنی اگر دولت تقاضا کرد و او مرخصی نگرفت حق دارد

اما اگر دولت تقاضا نکرد و خودش نخواهد استفاده کند آنوقت دیگر حق ندارد حقوق بگیرد.

رئیس- آقای تدین (اجازه)

تدین - بنده تصور می کنم ذهن آقای طباطبائی متوجه يك مطلب است که ضمیمه این ماده است و مربوط باین قسمت نیست.

این يك قسمت دیگری است که بعد بعرض آقایان خواهد رسید.

خودتان هم در کمیسیون بودجه تشریف داشتید.

طباطبائی دیبا - در اینجا که نیست. تدین - بعد می آید.

طباطبائی دیبا - در اینصورت بنده پیشنهاد خود را مسترد می دارم.

رئیس- رأی می گیریم به قسمت دوم که قرائت شد آقایان موافقین قیام بفرمایند.

(اغلت نمایند گان قیام نمودند)

رئیس- تصویب شد. رأی گرفته می شود بمجموع هر دو قسمت آقایانی که تصویب می کنند قیام بفرمایند.

(اکثر برخاستند)

رئیس- تصویب شد. این پیشنهاد راجع بماده نهم است؟

وزیر مالیه - ضمیمه ماده نهم است. رئیس- ماده هشت نوشته آید.

مخبر ماده نه است اشتباه شده.

رئیس- ضمیمه ماده نهم که از طرف کمیسیون پیشنهاد شده است قرائت می شود.

(بترتیب ذیل خوانده شد)

(نظر به پیشنهاد دولت و تصویب کمیسیون قسمت ذیل باخر ماده نه علاوه میشود هر گاه دولت بواسطه احتیاج بخدمات یکی از مستخدمین مزبور در موقعی که قائم مقامی برای او یافت نشود او را دعوت نمایند باینکه در مدتی که حق مرخصی دارد از آن استفاده نکرده مشغول خدمت باشد وزارت مالیه میتواند در ازاء مدتی که از مرخصی استفاده نکرده معادل حقوق او بمشارایه بپردازد.

رئیس- آقای آفاسید یعقوب (اجازه)

آفاسید یعقوب - بنده نظر باین

دلایلی که عرض کردم خود آقای وزیر مالیّه از نقطه نظر حقوق دانی تصدیق فرمایند بنده را کردند منتهی فرمودند اینطور واقع شده است و نظر سابقه است ولی حقیقتاً يك مستخدمی که چهار سال بدین دربار کار کند و آنوقت باز دولت بخواد او را نگاهدارد در واقع ما يك شخصی میخوایم سه حق بعضی از نمایندگان - در حق

از نظر افتاده بود این بود که تا بنای از طرف دولت تقاضا شد این جزء را در کمیسیون مطرح کنیم و در صورتی که کمیسیون موافقت نکند راجعش را به مجلس بدهیم بعد از آنکه در کمیسیون مطرح شد با آن اصلاحی که در آنجا شده و به عرض آقایان میرسد قبول شد و آن اینست که اگر چنانچه در موقعی که آن مستخدم میخواد از مرخصی خودش استفاده کند

دادیم همه جا بضرر ما تمام می شود. بنده پیشنهاد می کنم همانطوری که ملت میخواد آثار ملیت خودش باقی بماند بنده هم میایم اسم تومان باشد چه عیب دارد؟ بنده نفع هم نمیخواهم يك تومان باشد چون یقین دارم که بضرر ما تمام خواهد شد همان بازده قران خواهند گرفت و لو این که دلار هم هشت قران بشود همان بازده قران را خواهند گرفت.

کرید که دو قران باشد. دلار هم هر قدر بوده حساب شده اند اما اینجا پیشنهاد کردیم و این حد را قرار دادیم که اگر ارزان تر از يك تومان کمتر نباشد اگر هم هر قدر گرانتر از بازده قران بیشتر نباشد. ما بن یک تومان و بازده قران هم اگر بود مثلا یک تومان و ده شاهی بود همانطور حساب کنند و اگر مثلا يك تومان و نه شاهی شد همانرا حساب کنند. این ایشیون ندارد.

رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

آقای میرزا علی کازرونی - آقای مغیر سلمه اله تعالی اظهار فرمودند که تعیین قران و دلار و امثال اینها هیچ ربطی به ملیت ندارد حال امن نمی دانم اگر کفتم مربوط به ملت ما است چه اندازه قوت با این حرف میدهم مسلم است ما ایرانی هستیم و پول ما تومانست پول آنها دلار است. پول جای دیگر فرانک است تا همین اندازه که انتسابش باغلیت است اگر نباشد ما در مجلس شورای ملی وقتی يك لایحه می گذرانیم پول را از روز معاملات و ترتیبات يك مملکت خارجی قائل شدیم

این هم دلایلی است که منطبق ندارد پس بهترین است که آقای مغیر کمیسیون تفضل کنند و این قسمت را قبول کنند که تومان باشد هیچ عیبی ندارد. چرا برای این که بعد از این هم میزان در دست ما باشد و دولت بداند که مستخدمین را که استخدام میکنند بمقدار و میزان که معمول است کنترت کند آخر ما هم دارای يك آثار ملیتی هستیم از این جهت این پیشنهاد را کردم

مغیر - تعیین دلار و تومان مربوط به آثار ملیت نیست. آقای سید یعقوب - پس قبولش کنید.

مغیر - بنده هم نمی توانم قبول کنم و همانطور که در سابق در این قسمت برای جنابعالی توضیح دادم آن مستخدمی را که شما می خواهید استخدام کنید درست است که برای امور مالیّه می آورند ولی او امروز از تومان شما اطلاع ندارد و نمی تواند مقایسه کند با دلار آنجا او باید بداند که باندازم پول خودش چقدر باو می دهد و به منافعی که در آنجا دارد مقایسه کند به بنده که اقتضا می کند که این خدمت را قبول کند آنوقت بیاید.

ولی وقتی که آمدند اینجا البته از امور مالیّه شما مطلع می شوند بعد از مدتی از اما این که فرمودند در ضمن اظهاراتشان که اگر هشت قران هم بشود همان بازده قران حساب می کنند این را بنده هیچ متوقع نبودم جنابعالی در مجلس بفرمائید برای این که به هیچ وجه این قبیل مسائل واقعتاً ندارد

آقای سید یعقوب - فرانک چه بود؟ مغیر - فرانک را خودتان قانون وضع کردید

پول ما قران است پس بگوئید يك تومان کم است دو تومان بکنید دلار کدام است؟ فرانک چیست یونان یعنی چه مارک چه چیز است این طول و تبصیل و دفاع لازم ندارد

در هر صورت بنده عقیده ام این است که این جایبستی بقران همین شود. وزیر مالیّه بنده تأسف می خورم بعضی از آقایان مسئله را مذاقه نمیکنند و آنوقت دیگر آن را مورد حلافت قرار می دهند

این مسئله دلار اولیه و تومان يك مسئله کردیم

خیلی غامضی نیست و خیلی ساده است همین طور که آقا می فرمایند ما یک مردمان هستیم و حیثیتی داریم اگر چه این مطلب مربوط به حیثیت نیست ولی محض خوشوقتی خاطر ایشان عرض می کنم برای همان حیثیتی که مادریم وقتی که این اشخاص استخدام شده اند دولا در دوازده قران و چند شاهی بود بعد تا میزان هشت قران و ده شاهی رسید و آنها هم مانند گرفتارند و ده قران را دوازده قران نگرفته اند

اوفکر میکنند که اگر دلار رفت هشت قران شدن چکنتم مقداری از حقوق من کم میشود ما هم فکر میکردیم. اگر از بازده قران زیادتر شد ما چکنتم کم ضرر نکنیم این است که طرفین فکر کردند و این حد را قرار گذاشتیم که از یک تومان کمتر و از بازده قران زیادتر نباشد یعنی فردا اگر دلار رفت و شد چهارده قران دوازده قران

بیش از بازده قران نمی دهیم و در عوض باید ملاحظه آن طرف را هم کرد و رعایت انصاف را هم کرد.

حال او هم اگر هشت نه قران شد از یک تومان باو کمتر ندهیم

این يك مسئله ای است خیلی هم ساده و خیلی هم روشن.

رئیس - آقای حاج میرزا عبدالوهاب (اجازه)

این شخص می خواهد مطمئن باشد نگاه بکنند زنده گانی خودش و به مملکت خودش چون این پول که باو داده میشود و تمامش را در ایران صرف نمیکنند میخواد ببیند چقدر عایدش می شود و بالاخره يك مقدار برای مملکت خودش صرف خواهد کرد

بنده گذشته از اینکه در ایران چند سال باین مسئله مبتلا بودیم در فرنگستان هم که ما مروت داشتیم از طرف دولت آنوقت که بکده مستخدم استخدام کنیم در بعضی از آنها ای که بيك مناسباتی ببندد مراجعه میکنند

از برای مستخدمین معارف یا اینست و باستور کترهائی که استخدام کردیم خیلی در این موضوع دقت میکردیم و باز هم موفق نمیشدیم

بجهت این که افن ما اگر باید یولشان را با آنجا بفرستند هزار دلار اگر قيمت دلار هشت قران شده همان هزار دلار را می گیرند و اگر هم بیک تومان یا دوازده قران شد باز هم همان هزار دلار را می گیرند

و برای آن فرمایشی که آقای وزیر مالیّه کردند آن عیب را دیگر پیدا نمی کند

لذا بنده این پیشنهاد را کردم نرخ روز باشد

مغیر - هیچ فلسفه برای این که نوشته شده باید یا نوزده ماه بگیرند بالاتر از خود این قانون نیست

بس معلوم می شود که محتاج هستیم بعلاوه مستخدمین ایرانی که در ایران هستند این جا وطنشان است اگر بنگاه حقوقشان فرضاً عقب بیفتد می توانند نسبه هم بکنند

اما مستخدم امریکائی که آمد این جا نمی تواند سه ماه حقوق بگیرد بعلاوه چه فرق می کند.

این چه اشکالی است؟ اینده معتبرم اگر يك فلسفه ود ایلی دارد تا خیر ممکن است هزار جور پیشنهاد هم کرد

والا یا نوزده ماه بگیرند یا آخر ماه بگیرند

این تفاوت خرجی و تنزل خرجی برای دولت ندارد

در قسمتهای دیگر هم که آقای وزیر مالیّه توضیح دادند اگر قانع نشده اند که بنده هم اگر عراضی بکنم قانع نمی شوند اگر هم قانع شده اند که شده اند

بسی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - آقای حاج میرزا عبدالوهاب (اجازه)

دو فقره پیشنهاد داده اید کدامش قرائت شود

حاج میرزا عبدالوهاب - بنده پس گرفتم و بایشنها د آقای طهرانی موافقم

رئیس - در سابق هم در هفدهم اردیبهشت یک پیشنهادی کرده بودید.

حاج میرزا عبدالوهاب - هر دو را را پس می گیریم و بایشنها د آقای طهرانی موافقت میکنیم

این است که در مقابلش نقره است و بسته است بشش های نقره اگر نقره تنزل پیدا کند پول ایران تنزل پیدا می کند اگر گران شود پول گران میشود و ترقی و تنزل پول ایران مثل فرانک فرانک نیست که کافند باشد و از بیست و پنج فرانک برسد به هفتاد و پنج فرانک این يك مسئله است.

مسئله دیگر که در بین الهالین گذاشته اند خیلی خوبست تا يك اندازه رفع معظور را می کند

ولی من نمی دانم سابقاً چه میکردند مثلاً الان دلار با این است.

چند است؟ هشتقران و هفده شاهی و اخیراً ترقی کرده است بهشت قران و نوزده شاهی رسیده.

سابقاً هشتقران و شش شاهی بود و اینهم دو قیمت دارد یکی این که بانک میخورد دیگر اینکه میفرود شود تفاوتی که بین این دو قیمت هست

تقریباً پنج شاهی است که بخرد و بفرود.

حالا الان ما داریم دلار را بیک تومان حساب می کنیم در صورتیکه هشت قران و ده شاهی است.

چون ترتیب این است که اگر يك تومان و بازده قران هم بهمان اندازه داده شود عبارت بین الهالین اینطور است

پس ما دلار را با وجود قیمت فعلی در هشت قران و نوزده شاهی است ده قران می دهیم (و بایستی هم داد) شما هم در عرض از بازده قران بیالارا منظور نگردید

یعنی این يك قران منظور میشود برای يك وقتی که اگر از بازده قران بالا رفت دخل خزانه دولت میشود

بنابراین بنده جمع بین نظریه آقایان را کردم و آقایان آمریکایی هم هستند که بولشان چیست و سوء تفاهمی در آن قسمت پیدا نخواهد شد

پس امروز که قیمت دلار هشتقرانست بیک تومان می دهیم فردا هم اگر ترقی کرد بیکقران کمتر می دهیم

بنابراین این نظریه جامعی است و چندان ضرری هم مستخدمین امریکائی نخواهد خورد.

مغیر - يك مطلبی را بنده برای آقایان با عرض کنم.

ماده ده پیشنهاد دولت این طور است:

حقوق مستشاران آمریکائی (متضمن مستشارانیکه در ایران مشغول خدمتند) بعد از تصویب این قانون این وقتی در کمیسیون آمد

و علت اینکه پول ایران ثابت است برای

میلیسیون هم باشد که ایشان طرف مشاوره هستند نه طرف موافقت و در این جا اختیارات از دولت سلب می شود اینست که بنده کلمه مشاوره را پیش نهاد کردم برای اینکه رئیس کل مالیه باید طرف مشورت باشد و در این جا می نویسد با موافقت رئیس کل مالیه .

دارد . یعنی می تواند بعد از اینکه بگوید ناخوش بودم غیبت نماید و بنده معتمد کلمه با اجازه در اینجا اضافه شود .

مدت را هم دولت باید بدهد یا نه ؟ بنده عرض میکنم وقتی که زائد بر مدتی که حق مرخصی داشته با اجازه داشته است اگر غیبت نماید چه سه ماه چه پنج ماه باید حق نداشته باشد حقوق بگیرد .

در این قسمه نوشته است : هر يك از مستخدمین امریکائی كه بواسطه علت مزاج از خدمت خود غیبت نماید .

اگر با اجازه باشد که این ترتیبات لازم نیست . پس این غیبت بی اجازه است و هر وقت از حد مرخصی که تا آنوقت حق داشته است سه ماه تجاوز نماید آنوقت دولت می تواند کتکات او را فسخ نماید .

وزیر مالیه بنده قبلا توضیح دادم که مقصود از این ماده چیست در این جا نوشته شده است بواسطه علت مزاج و البته اگر بدون علت مزاج غیبت کرده هیچ حق اخذ حقوق ندارد .

مخصوصا در استخدام و عزل و نصب اعضاء و در کتکات رئیس مالیه هم این مسأله قیده شده است و البته ایشان بایستی در این قضیه نظر موافقت داشته باشد و در هر حال در مشاوره هم یا باید موافقت کند یا غیر موافقت و در هر صورت نتیجه مشاوره باید معلوم باشد و الا اگر موافقت نکند چه باید بشود و تکلیف دولت چیست .

رئیس کل مالیه نظریه رئیس کل مالیه مدخلت دارد . مخصوصا در استخدام و عزل و نصب اعضاء و در کتکات رئیس مالیه هم این مسأله قیده شده است و البته ایشان بایستی در این قضیه نظر موافقت داشته باشد و در هر حال در مشاوره هم یا باید موافقت کند یا غیر موافقت و در هر صورت نتیجه مشاوره باید معلوم باشد و الا اگر موافقت نکند چه باید بشود و تکلیف دولت چیست .

خروج را هم نباید بدهند . اما اگر غیبت او بواسطه علت مزاج باشد تا وقتی که حق مرخصی دارد که حش است و اگر پس از اتمام حق مرخصی باز هم بواسطه علت مزاج نتوانسته است سر خدمت بیاید و ۳ ماه گذشت آن وقت اگر دولت دید بقای او در سر خدمت ممکن است اسباب ضرر دولت بشود حق دارد او را مرخص کند یعنی کتکات او را فسخ کند اما انصاف است که . . .

رئیس کل مالیه بنده باید بلفظ موافقت در اینجا باشد .

رئیس کل مالیه بنده باید بلفظ موافقت در اینجا باشد .

کازرونی استغفر الله وزیر مالیه يك همچو آدمی كه در خدمت دولت ایران هست و خدمت میکند و بواسطه مرض بیکار شده از حش هم محروم شود .

رئیس کل مالیه بنده باید بلفظ موافقت در اینجا باشد .

رئیس کل مالیه بنده باید بلفظ موافقت در اینجا باشد .

کازرونی استغفر الله وزیر مالیه يك همچو آدمی كه در خدمت دولت ایران هست و خدمت میکند و بواسطه مرض بیکار شده از حش هم محروم شود .

رئیس کل مالیه بنده باید بلفظ موافقت در اینجا باشد .

رئیس کل مالیه بنده باید بلفظ موافقت در اینجا باشد .

کازرونی استغفر الله وزیر مالیه يك همچو آدمی كه در خدمت دولت ایران هست و خدمت میکند و بواسطه مرض بیکار شده از حش هم محروم شود .

رئیس کل مالیه بنده باید بلفظ موافقت در اینجا باشد .

رئیس کل مالیه بنده باید بلفظ موافقت در اینجا باشد .

کازرونی استغفر الله وزیر مالیه يك همچو آدمی كه در خدمت دولت ایران هست و خدمت میکند و بواسطه مرض بیکار شده از حش هم محروم شود .

رئیس کل مالیه بنده باید بلفظ موافقت در اینجا باشد .

رئیس کل مالیه بنده باید بلفظ موافقت در اینجا باشد .

کازرونی استغفر الله وزیر مالیه يك همچو آدمی كه در خدمت دولت ایران هست و خدمت میکند و بواسطه مرض بیکار شده از حش هم محروم شود .

رئیس کل مالیه بنده باید بلفظ موافقت در اینجا باشد .

رئیس کل مالیه بنده باید بلفظ موافقت در اینجا باشد .

رئیس کل مالیه بنده باید بلفظ موافقت در اینجا باشد .

رئیس کل مالیه بنده باید بلفظ موافقت در اینجا باشد .

رئیس کل مالیه بنده باید بلفظ موافقت در اینجا باشد .

رئیس کل مالیه بنده باید بلفظ موافقت در اینجا باشد .

رئیس کل مالیه بنده باید بلفظ موافقت در اینجا باشد .

رئیس کل مالیه بنده باید بلفظ موافقت در اینجا باشد .

رئیس کل مالیه بنده باید بلفظ موافقت در اینجا باشد .

رئیس کل مالیه بنده باید بلفظ موافقت در اینجا باشد .

رئیس کل مالیه بنده باید بلفظ موافقت در اینجا باشد .

رئیس کل مالیه بنده باید بلفظ موافقت در اینجا باشد .

رئیس کل مالیه بنده باید بلفظ موافقت در اینجا باشد .

رئیس کل مالیه بنده باید بلفظ موافقت در اینجا باشد .

رئیس کل مالیه بنده باید بلفظ موافقت در اینجا باشد .

رئیس کل مالیه بنده باید بلفظ موافقت در اینجا باشد .

رئیس کل مالیه بنده باید بلفظ موافقت در اینجا باشد .

رئیس کل مالیه بنده باید بلفظ موافقت در اینجا باشد .

رئیس کل مالیه بنده باید بلفظ موافقت در اینجا باشد .

رئیس کل مالیه بنده باید بلفظ موافقت در اینجا باشد .

رئیس کل مالیه بنده باید بلفظ موافقت در اینجا باشد .

رئیس کل مالیه بنده باید بلفظ موافقت در اینجا باشد .

رئیس کل مالیه بنده باید بلفظ موافقت در اینجا باشد .

رئیس کل مالیه بنده باید بلفظ موافقت در اینجا باشد .

رئیس کل مالیه بنده باید بلفظ موافقت در اینجا باشد .

رئیس کل مالیه بنده باید بلفظ موافقت در اینجا باشد .

رئیس کل مالیه بنده باید بلفظ موافقت در اینجا باشد .

رئیس کل مالیه بنده باید بلفظ موافقت در اینجا باشد .

رئیس کل مالیه بنده باید بلفظ موافقت در اینجا باشد .

رئیس کل مالیه بنده باید بلفظ موافقت در اینجا باشد .

رئیس کل مالیه بنده باید بلفظ موافقت در اینجا باشد .

رئیس کل مالیه بنده باید بلفظ موافقت در اینجا باشد .

رئیس کل مالیه بنده باید بلفظ موافقت در اینجا باشد .

رئیس کل مالیه بنده باید بلفظ موافقت در اینجا باشد .

رئیس کل مالیه بنده باید بلفظ موافقت در اینجا باشد .

رئیس کل مالیه بنده باید بلفظ موافقت در اینجا باشد .

رئیس کل مالیه بنده باید بلفظ موافقت در اینجا باشد .

رئیس کل مالیه بنده باید بلفظ موافقت در اینجا باشد .

رئیس کل مالیه بنده باید بلفظ موافقت در اینجا باشد .

رئیس کل مالیه بنده باید بلفظ موافقت در اینجا باشد .

رئیس کل مالیه بنده باید بلفظ موافقت در اینجا باشد .

رئیس کل مالیه بنده باید بلفظ موافقت در اینجا باشد .

رئیس کل مالیه بنده باید بلفظ موافقت در اینجا باشد .

رئیس کل مالیه بنده باید بلفظ موافقت در اینجا باشد .

رئیس کل مالیه بنده باید بلفظ موافقت در اینجا باشد .

رئیس کل مالیه بنده باید بلفظ موافقت در اینجا باشد .

رئیس کل مالیه بنده باید بلفظ موافقت در اینجا باشد .

رئیس کل مالیه بنده باید بلفظ موافقت در اینجا باشد .

رئیس کل مالیه بنده باید بلفظ موافقت در اینجا باشد .

رئیس کل مالیه بنده باید بلفظ موافقت در اینجا باشد .

رئیس کل مالیه بنده باید بلفظ موافقت در اینجا باشد .

رئیس کل مالیه بنده باید بلفظ موافقت در اینجا باشد .

رئیس کل مالیه بنده باید بلفظ موافقت در اینجا باشد .

رئیس کل مالیه بنده باید بلفظ موافقت در اینجا باشد .

تقدیرین - بنده تصور میکنم درست وقت در قسمت اول این ماده نشده است می گوید:

هر گاه یکی از مستخدمین امریکائی بدون دلیل موجهی از خدمت خود استعفاء بدهد.

این جا نمی شود گفت به بعض اینک که بدون دلیل موجه استعفا داد کتورات او ملغی است و باید او را پس کرد.

اینطور نیست برای اینکه ممکن است در موقعیکه وجود او لازم باشد او بیک ملاحظاتی بدون عنبر موجهی بخواهد استعفا بدهد در اینجا نمی شود گفت به بعض اینک که استعفا کرد باید استعفای او را قبول کرد.

بلکه باید موکول کرد بنظر رئیس کل مالیه و در اینجا می گوید بر طبق پیشنهاد رئیس کل مالیه دولت می تواند کتورات او را ملغی نماید این قسمت اول قسمت دوم می گوید:

در صورتیکه در انجام وظائف خود کوتاهی کند و مسامحه وزرد و رئیس کل مالیه تشخیص بدهد دولت کتورات او را ملغی خواهد کرد و جزائی هم که برای او محقق است همان فسخ کتورات او است برای اینکه فرض میکنیم کتورات او ۵ سال است بعد از گذشتن ۱ سال این شخص مسامحه کرد چهار سال دیگر باقی مانده کتوراتش ملغی می شود و در واقع یک ضرری باو خورده برای اینکه دیگر سالی ده هزار دلار باو نمی دهند و معلوم نیست وقتی هم که برگشتند بمحل خودشان ده هزار دلار بآنها داده شود.

بنابراین آن ایامیکه قانوناً ذی حق هستند و باید بآنها داد البته حقوق می دهند فقط یک چیزی هست که ممکن است جای نگرانی باشد و آن اینست که اگر در اینجا پیشنهاد شود یعنی یک تصریحی شود که خرج معاودت باو داده نخواهد شد.

بنده هم موافقم زیرا ممکن است از این جمله استفاده این مطلب نشود و اگر این هم اضافه شود مقصود آقایان کاملاً تأمین میشود.

رئیس - همه کافی نیست
آقای سید یعقوب - بکنفر آمد
رئیس - باز کافی نخواهد بود.

بقیه مذاکرات می ماند برای فردا
آقای دامغانی
(اجازه)

دامغانی - بنده سؤالی از وزارت معارف داشتم چند روز قبل هم بمقام ریاست هم عرض کرده بودم چون موقع آن می گذرد میخواستم استدعا کنم که فردا آقای وزیر یا معاونشان برای جواب حاضر شوند.

مجلس نیم ساعت بعد از ظهر ختم شد

رئیس مجلس شورای ملی - حسین پیرنیا
منشی - م. شهاب

منشی - دکتر احتشام طباطبائی
جلسه صد و شصت و هفتم
صورت مشروح مجلس
یکشنبه بیست و هفتم
اردیبهشت هزار و سیصد
و چهار مطابق بیست و
سوم سوال زار و سیصد
و چهل و سه

مجلس سه ساعت قبل از ظهر بر ریاست آقای آقای میرزا حسینعلی پیرنیا تشکیل گردید

(صورت مجلس روز قبل را آقای آقای میرزا شهاب قرائت نمودند)
رئیس - آقای کاشانی
(اجازه)

آقای میرزا سید حسن کاشانی -
بعد از تصویب صورت مجلس عرض

دارم.
رئیس - آقای هایم
(اجازه)

هایم - بنده هم قبل از دستور عرض دارم
رئیس - آقای حائری زاده
(اجازه)

حائری زاده - بنده هم بعد از تصویب صورت مجلس
رئیس - آقای صدر

آقای سید عبدالحسین صدر -
چون اسم بنده را جزء غائبین بی اجازه نوشته اند خواستم یاد آوری کنم که بنده اجازه خواسته بودم

رئیس - اجازه با کمیسیون است.
آقای آقا شیخ جلال
(اجازه)

آقای شیخ جلال - مطابق نظامنامه خلاصه مذاکرات باید نوشته شود و همچنین مطابق سابقه اظهارات مقتضاتی و همینطور نظریاتی که مجلس اتخاذ کرده در اظهارات و کلام البته بایستی نوشته شود با اهمیت اظهارات پرروزی بنده و هم چنین با اهمیت پیشنهاد آقای رئیس که در خصوص نطق یک نماینده از مجلس کسب تکلیف کرد و همچنین اهمیت رأی مجلس تغییر مهمی در نظامنامه ایجاد کرد.

بنده تصور می کنم این قسمت باید در صورت مجلس نوشته شود
رئیس - بسیار خوب میل دارید

نوشته می شود
آقای مساوات
(اجازه)

مساوات - عرضی ندارم
رئیس - صورت مجلس دیگر ایرادی ندارد؟
(گفته شد خیر)